

کورتەمەلبەستین کوردی

بهارا دلان

مە

سرشناسه: حسین پور، محمد، ۱۳۴۷
عنوان و نام پدیدآور: بهارا دلان: کورته‌هه لیه‌ستین کوردی / موهه‌مه‌د هوسین پوور.
مشخصات نشر: سندج: مادیار، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۴۰ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۵۲۵-۶۵-۷
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: فارسی - کردی.
موضوع: شعر کردی -- قرن ۱۴
موضوع: Kurdish poetry -- 20th century
موضوع: شعر کردی -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده به فارسی
موضوع: Kurdish poetry -- 20th century -- Translations into Persian
رده بندی کنگره: PIR ۳۲۵۶
رده بندی دیویی: ۸۹۲۱ فا ۸
شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۴۴۳۱۷



پرتووک: بهارا دلان - کورتهه له ستین کوردی

نقیسکار: موهه مه د هوسین پوور

توبه تا چاپین: یه که م ۱۳۹۹ - ۲۰۲۰

هه ژمار: ۱۰۰۰ دانه

شابه ک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۵۲۵-۶۵-۷

ناف نیشان: سنه، چوارریانی شوه دا، پاساژ عزه تی، وه شانخانه یا مادیاری: ۸۷۳۳۱۲۴۴۴۵ (۰۰۹۸)

مقدمه

وقتی باران شعر، بر بیابان دلت باریدن می گیرد؛ یک باره می بینی که سبزه های خواب سالیان دیده، از خاک خیالت سر بر می کشند و پهن دشت اندیشه ات به سبزه می نشیند؛ ناگاه می بینی کبوتران ترک آشیان کرده، بر شاخسار خاطره ات میهمان می شوند و تو کودکی ات را، در میان خانه های کاه گلی آبادی، در میان لالایی مادر و گهواره، در میان زیبایی گندمزار و زلالی چشمان پر شوق پدر، در میان هی هی چوپانان، در غربت صدای بخشی ها، در لبخند کودکان بی هراس آبادی و در شکوه قامت سرداران «سردار آباد» به تماشا می نشینی و این ها همه معجزه ی شعر است که جانست را جلا می بخشد و تو را به روزهای پر خاطره ی دیروز می برد؛ تا خویش را دوباره مرور کنی.

باید عاشق باشی تا شاعر شوی و در این روزها که شعر، عاشقم کرده است؛ خواستم دل سروده های ایلداتی ام را با شما مرور کنم. خواستم ما هم نفسان باهم راهی ستیغ «شاه جهان»، «گلیل»، «هزار مجیت»، «سالوک» و «آلداغ»

شویم و از آن اوج، برآمدن آفتاب، پاکی آسمان، شکوه کوهستان، زیبایی دشت، گذر ایل و ردپای خاطرات دیروز را به تماشا بنشینیم. خواستم باهم از چشمه‌های زلال آبادی که بی منت در جوشش همواره‌اند سیر بنوشیم و با مردمان که دیری است خود را یافته‌اند همراه شویم.

اشعاری که در این دفتر تقدیم حضورتان می‌شود، بخشی از دل سروده‌های بی‌پیرایه‌ای است که در قالب سه‌خشتی و دو مالک، تقدیمتان می‌شود. در این ابیات حلاوت زندگی، شور جوانی، شکوه عشق، بدعهدی زمانه، تنهایی طبیعت، غریبی یک پرستوی بی‌آشیان و مهر مانای مادران روایت می‌شود. مرور این ابیات، مرور زندگی من و زندگی ماست چرا که ما همدمان و همدردان همواره‌ایم که اگر بخواهیم می‌توانیم مثل «کانیا دل» روانه شویم و «بهارا دلان» را میهمان دل‌ها کنیم.

حال که این اشعار در قالب یک مجموعه پیشکش محضرتان می‌شود؛ به حکم ادب، باید حق‌شناس و سپاسگزار دو برادر عزیز و گران‌قدرم که شاید از نظر سنی کوچک‌تر ولیکن از لحاظ علمی دارای مرتبه‌ای به مراتب بلندتر و عالم‌تر از بنده حقیر هستند، اولین نفر برادرم اسماعیل حسین پور بود که با شعر گلیل‌اش روحم را در دنیای ادبیات به پرواز درآورد و همیشه از قلم و هنرش تأثیر گرفته‌ام و در نهایت با توصیه و راهنمایی ایشان به کانیا دل راه یافتم؛ و اما برادر دیگرم که قدردان و سپاسگزار مهر و مودت‌ها و راهنمایی‌هایش هستم، استاد ارزشمند و اخلاق‌مدارم جناب آقای علیرضا سپاهی لاین است که با «کانیا دل» ما رهنوردان خسته‌ی سالیان را، سیرنوش این چشمه کرد و ما را سایه‌نشین سرو بالابند فکر و فرهنگمان نمود تا با خودباوری، به زبان مادری خویش بنویسیم، بخوانیم، بسراییم و ترنم بودنمان را با دیگران قسمت کنیم و در یک جمله باید عرض کنم انسان وارسته‌ای

که همه خوبی‌ها، درون قلب پاک و زلال و مهربانش جا خوش کرده‌اند. همچنین بر خود وظیفه میدانم تا از دوستان دل‌آگاه و فرهیخته‌ام آقای شیرکوه پهلوانی، مهدی جعفرزاده و سرکار خانم گلی شادکام که با بررسی ابیات و یادآوری برخی نکات ارزنده‌ی‌آور و یاری‌گرم بودند و دوست و برادر ارجمندم جناب آقای حاج علی شریفی که همیشه مشوقم بوده‌اند و از انتشارات «مادیار» برای تقبل زحمت چاپ این مجموعه شعر و از همه‌ی هم‌نوشان و همراهانم در کارگاه شعری کانیا دل که شاید مجال نام بردن از آن‌ها نباشد صمیمانه سپاسگزارم.

در پایان وظیفه میدانم از همه کسانی که عکس و تصاویرشان در کانال‌ها و فضای مجازی در دسترس بوده و بنده نیز به منظور احترام به فرهنگ اصیل کرمانجی، به‌نوعی در این مجموعه استفاده نمودم و به دلیل عدم آشنایی فرصت عذرخواهی نداشتم، بدین وسیله از همه عزیزانم پوزش می‌طلبم و به وجود تک‌تک شما مهربانان افتخار می‌کنم و می‌بالم.



پاینده باشید و سپاس

با احترام محمد حسین پور